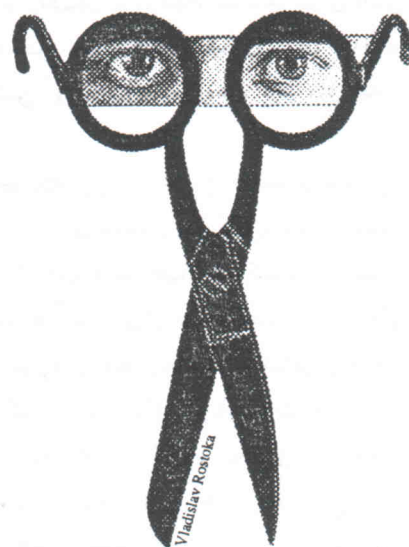


بازنگری در ساختار برنامه‌ریزی آموزشی در آموزش عالی



محمود ابوالقاسمی

جعفر کیوانی

فریدون رحیم‌زاده

اعضای هیات علمی وزارت فرهنگ و آموزش عالی

مقاله حاضر با تأکید بر ضرورت بازنگری در ساختار برنامه‌ریزی آموزشی در نظام آموزش عالی کشور، لزوم بررسی وضع موجود نظام برنامه‌ریزی آموزشی را برای رسیدن به وضعیت مطلوب، خاطر نشان کرده و بر آن است تا با تصویر فرایند برنامه‌ریزی آموزشی، الگوهایی ارائه دهد. بر همین اساس مزایا و معایب الگوهای پیشنهادی مقاله به همراه فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که بر سر راه بازنگری در ساختار آموزش عالی کشور وجود دارد، مورد بحث قرار گرفته است.

مقدمه

می‌توان یافت. اگر چنین است - که حتماً نیز چنین است - می‌توان مدعی شد که جریان دانش، آگاهی و فن از دانشگاهها و مراکز آموزش عالی بر پیکره عمومی کشور ساری و جاری بوده آموزش عالی صبغه خود را بر آنها می‌نهد. چنین تصویری الزام می‌کند که نسبت به حیات، پویایی و کارایی آموزش عالی حساس بوده پرداختن به آن را لازم بشماریم.

از طرف دیگر، دوران جدیدی که در کشور آغاز شده و بحث از جامعه مدنی و مشارکت مردم در عرصه‌های گوناگون به صورت یک گفتمان رایج و غالب اجتماعی درآمده و از سطح گفتگوهای انفرادی و تک‌نگاریهای مقطعی به یک ضرورت و نیاز مبرم اجتماعی مبدل شده است و تمامی گروه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی درون نظام و معتقد به مشروعیت آن، بر لزوم مشارکت و تعاون بخشهای مختلف پای فشرده و رشد و تعالی علمی، اجتماعی و ... را از معبر مشارکت و گفت‌وگوی مبتنی بر عقل و رأی جمعی و معطوف به مصالح کلی و اصلی نظام دنبال می‌کنند، بحث از استقلال دانشگاهها و مشارکت اصولی آنها در

«بازنگری در ساختار برنامه‌ریزی آموزش عالی» بخشی از اقدام ضروری‌تر و فوری‌تر «بازنگری در ساختار آموزش عالی» است. تحولات گسترده و عمیق ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و دوره‌های مختلف پس از آن و نیز ورود به عرصه‌هایی جدیدتر با اولویتهای و ضرورتهایی نوین و لزوم مواجهه‌ای عقلانی و برنامه‌ریزی شده با الزامات و ترجیحات دوران توسعه و سازندگی، حکایت از آن دارد که باید کالبد و فضای عمومی ساختار اجرایی - اداری کشور، تناسب لازم با اهداف و اولویتهای نوین را دارا بوده توان مسؤلیت جدیدی را که در دوره جدید بر دوشش نهاده شده داشته باشد.^[1]

شاید اغراق نباشد اگر ادعا کنیم که امروزه هیچ بخش و حوزه‌ای را در کشور نمی‌توان سراغ گرفت که بر سر سفره آموزش عالی ننشسته باشد. به تعداد تمامی متخصصان و دانش‌آموختگانی که در مراکز مختلف کشور مشغول به کار هستند، رشته‌های بیوند بین آموزش عالی و آن مراکز را

احساس استقلال و التزام به پیامدهای آن از سوی دانشگاهها و کارآفرینان، کارکنان و دانشجویان و دانش آموختگان، باعث خواهد شد تا حس مشارکت در فرایند نظریه‌های علمی و آموزش‌های جدید به سطح اندیشه و تفکر و آموزه‌های دقیق ارتقا یافته از طریق دانشگاهها به بخشهای دیگر نیز انتقال یابد.

سرپرستان کمیته‌های تخصصی به انتخاب و پیشنهاد رییس گروه، تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی و با حکم وزیر منصوب می‌شوند. اعضای کمیته‌های تخصصی به پیشنهاد سرپرست کمیته و تصویب گروه و حکم وزیر انتخاب می‌شوند.

وظایف شورا و آیین‌نامه داخلی آن مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی است که مهمترین و شاخصترین آنها عبارتند از:

- ۱- برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی در سطح آموزش عالی کشور بر اساس مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی؛
- ۲- تدوین ضوابط صلاحیت علمی متقاضیان عضویت هیأت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی که دارای هیأت ممیزه نیستند؛
- ۳- تعیین ضوابط مربوط به گزینش دانشجو؛
- ۴- تعیین عنوان رشته‌ها و مقاطع تحصیلی؛
- ۵- بررسی و تصویب برنامه‌های آموزشی؛
- ۶- تعیین ضوابط ارزیابی کارگروههای برنامه‌ریزی و تنظیم فعالیت آنها براساس خط مشی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی؛
- ۷- تعیین و تصویب ضوابط تشکیل گروههای برنامه‌ریزی و کمیته‌های تخصصی؛
- ۸- تدوین و تصویب ضوابط نظارت بر حسن اجرای مصوبات.

تعداد برنامه‌های مصوب

در فاصله بین سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ در گروههای مختلف شورای عالی برنامه‌ریزی مجموعاً ۸۵۷ برنامه تهیه، تدوین، بررسی و به تصویب رسیده است.

از این تعداد برنامه، ۱۱۵ برنامه متعلق به گروه پزشکی، ۲۴۹ برنامه متعلق به گروه علوم انسانی، ۵۳ برنامه متعلق به علوم پایه، ۱۸۷ برنامه متعلق به گروه فنی و مهندسی، ۵۴ برنامه متعلق به گروه کشاورزی، ۴۳ برنامه متعلق به گروه هنر، ۲۵ برنامه متعلق به گروه هماهنگی تربیت معلم، ۱۱۲ برنامه متعلق به گروه علمی-کاربردی، ۶ برنامه متعلق به کمیته دامپزشکی و ۱۳ برنامه متعلق به کمیته نظامی و انتظامی است (جدول ۱).

در مقاطع مختلف و طی سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶، ۱۸۳ برنامه در مقطع

برنامه‌ریزی، هدایت و اجرای نظام آموزشی را نیز می‌توان پاسخی به این ضرورت اجتماعی دانست. احساس استقلال و التزام به پیامدهای آن از سوی دانشگاهها و کارآفرینان، کارکنان و دانشجویان و دانش آموختگان، باعث خواهد شد تا حس مشارکت در فرایند نظریه‌های علمی و آموزش‌های جدید به سطح اندیشه و تفکر و آموزه‌های دقیق ارتقا یافته از طریق دانشگاهها به بخشهای دیگر نیز انتقال یابد.

در چنین صورتی است که دانشگاهها به عنوان منبع و مصدر علم و دانش و فرهیختگی می‌توانند توفیقی چند برابر در نقش آفرینی خود در حیات اجتماعی داشته باشند. اگر قرار است که چنین مهمی همچون یک هدف مقدس فرا راه تلاش و پویای خردمندان، فرزندان و دانشوران میهن اسلامی قرار گیرد، لازم است دانشگاهها منزلت شایسته خود را در این میان بازیافته، پیشتازان این عرصه باشند. این همه ما را بر آن می‌دارد تا با رویکردی نوین در اندیشه طراحی ساختاری نوین برای آموزش عالی باشیم و با اشراف بر داده‌های جدید، گام در مسیر بازننگری و بازسازی گذاریم.

تصویر وضع موجود

در کشور ما مسؤولیت برنامه‌ریزی آموزش عالی به «شورای عالی برنامه‌ریزی» سپرده شده است. شورای عالی برنامه‌ریزی در اسفند سال ۱۳۶۳ با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل شد. این شورا در حال حاضر دارای ۹ گروه برنامه‌ریزی، ۷۱ کمیته تخصصی، دو کمیسیون دائمی و بیش از ۴۵۰ نفر عضو رسمی است. رییس شورای عالی برنامه‌ریزی، وزیر فرهنگ و آموزش عالی است. رییسان گروههای برنامه‌ریزی و دبیر شورا به پیشنهاد وزیر فرهنگ و آموزش عالی و تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی انتخاب می‌شوند و طبق آیین‌نامه داخلی، معاونان آموزشی و پژوهشی دو وزارت فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، نماینده شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، نماینده دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها و ۴ نفر از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز اعضای اصلی شورای عالی برنامه‌ریزی را تشکیل می‌دهند. (وزیر آموزش و پرورش رییس گروه هماهنگی تربیت معلم و عضو شورای عالی برنامه‌ریزی است).

جدول ۱- برنامه‌های مصوب به تفکیک گروه ۱۳۶۷-۱۳۷۶

سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	جمع
گروه آموزشی پزشکی	۱۰	۸	۷	۲	۸	۲	۱۲	۳۵	۱۸	۱۲	۱۱۵
علوم انسانی	۱۴	۱۴	۲۱	۳۰	۲۳	۲۱	۲۰	۵۲	۲۹	۲۵	۲۴۹
علوم پایه	۸	۴	۲	۱	۴	۲۲	۴	۴	۱	۳	۵۳
فنی و مهندسی	۱۱	۹	۱۰	۲۵	۶	۲۳	۲۷	۳۴	۱۵	۲۷	۱۸۷
کشاورزی	۹	—	۲	۱۱	۱۲	۱۲	۶	—	۲	—	۵۴
هنر	۸	—	۶	۷	—	۵	۵	۶	۴	۲	۴۳
هماهنگی تربیت معلم	—	—	—	—	—	۲۰	۲	—	۲	۱	۲۵
علمی-کاربردی	—	—	—	۷	—	۱۴	۸	۳۰	۳۵	۱۸	۱۱۲
دامپزشکی	—	—	—	—	—	۳	۱	—	۲	—	۶
کمیته نظامی و انتظامی	—	—	—	—	—	۲	—	—	۴	۷	۱۳
جمع	۶۰	۳۵	۴۸	۸۳	۵۳	۱۲۴	۸۶	۱۶۲	۱۱۲	۹۵	۸۵۸

مأخذ: گزارش دبیرخانه شورای عالی برنامه‌ریزی

جدول ۲- برنامه‌های مصوب به تفکیک مقطع ۱۳۶۷-۱۳۷۶

سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	جمع
مقطع کاردانی	۱۷	۷	۳	۱۵	۸	۳۷	۴	۳۳	۳۸	۲۱	۱۸۳
کارشناسی ناپیوسته	۱	—	—	۱۲	۳	—	۹	—	—	۳	۲۸
کارشناسی	۱۲	۱۲	۱۲	۳۴	۱۰	۳۲	۲۱	۴۴	۲۸	۲۵	۲۳۰
کارشناسی ارشد	۲۶	۱۵	۲۴	۱۸	۱۹	۳۶	۲۵	۶۱	۳۳	۳۰	۲۸۷
دکتری	۴	۱	۹	۴	۱۲	۱۹	۲۷	۲۴	۱۲	۱۶	۱۲۸
جمع	۶۰	۳۵	۴۸	۸۳	۵۳	۱۲۴	۸۶	۱۶۲	۱۱۲	۹۵	۸۵۸

مأخذ: گزارش دبیرخانه شورای عالی برنامه‌ریزی

دهد. پرواضح است اگر این حجم کار می‌خواست در قالب یک مؤسسه تابعه یا معاونت در وزارتخانه انجام شود، هزینه سنگین و تشکیلات عریض و طولی را به نظام آموزش عالی کشور تحمیل می‌کرد.

۲- ایجاد هماهنگی در برنامه‌های آموزشی دانشگاهها: شورای عالی برنامه‌ریزی به‌عنوان عالی‌ترین نهاد برنامه‌ریزی در آموزش عالی گامهای اساسی و مؤثری را در جهت ایجاد هماهنگی در برنامه‌های آموزشی دانشگاهها در مقاطع مختلف تحصیلی برداشته است.

نقاط ضعف

۱- نحوه انتخاب و ترکیب اعضا: ریيسان گروهها با تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی و ریيسان کمیته‌های تخصصی با تأیید شورای عالی برنامه‌ریزی تعیین می‌شوند. اما هیچ روال خاصی برای تعیین اعضای کمیته‌های تخصصی پیش‌بینی نشده است و این امر جزو اختیارات رییس کمیته است که ممکن است باعث شود تا بعضاً کمیته‌ها در انحصار دانشگاه یا سلیقه خاصی قرار گیرند.

کاردانی، ۲۸ برنامه در مقطع کارشناسی ناپیوسته، ۲۳ برنامه در مقطع کارشناسی، ۲۸۷ برنامه در مقطع کارشناسی ارشد و ۱۲۸ برنامه در مقطع دکتری به تصویب رسیده است (جدول ۲).

تحلیل وضع موجود

ساختار برنامه‌ریزی آموزشی در آموزش عالی نقاط قوت

۱- ساختار تشکیلاتی: به‌یقین، شورای عالی برنامه‌ریزی را می‌توان یک الگوی خوب و موفق از نظر ساختار تشکیلاتی به‌شمار آورد که با دبیرخانه کوچکی با تعداد کارکنان محدود (۲۳ نفر) کاری بزرگ و اساسی را پیش برده است. این شورا با وجود کادر محدود خود با هزینه‌ای که بخش ناچیز آن صرف خدمات و بخش عمده آن صرف کار اصلی آن (برگزاری جلسات گروهها و کمیته‌های تخصصی) می‌گردد، توانسته است بدون تحمیل یک تشکیلات گسترده اداری - نیروی انسانی، از توان فکری و تخصصی و تجارب آموزشی و پژوهشی استادان دانشگاهها بهره‌جسته کار برنامه‌ریزی را سامان

برنامه‌ریزی تا زمانی که نگاهی به سیاستها و اصول عام و جامع و واقع بینانه نداشته و به صورتی مقطعی و عاجل انجام گیرد، حرکتی کور بیش نخواهد بود که انباشته شدن آثار و نتایجی هرچند مفید اما غیر مرتبط با هم و معمولاً ناهمخوان با یکدیگر از پیامدها و محصولات آن است.

بوده‌اند. [۷] در واقع، شورا عمدتاً به عنوان ایستگاه کنترل فعالیت کرده و کمتر مورد تحول و پویایی بوده است.

۶- عدم مشارکت شایسته دانشگاهها: به نظر می‌رسد شورای عالی برنامه‌ریزی مشارکت دانشگاهها را عمدتاً در شرکت استادان برگزیده دانشگاههای مختلف تهران و شهرستانها در کمیته‌های تخصصی خلاصه و محدود کرده است و بر این تصور است که این مهم به این صورت تأمین شده است؛ در حالی که نمی‌توان اعضای کمیته‌ها را لزوماً نماینده دانشگاهها و منعکس‌کننده خواسته‌ها و نیازهای آنان دانست. در عین حال، شورا در مصوبه یکصد و نود و ششمین جلسه خود مورخ ۶۹/۲/۳۰ اختیارات محدودی را در اختیار دانشگاهها قرار داده است. [۸] این اختیارات به جایگزین کردن حدود ۱۰ تا ۲۰ واحد درسی به ترتیب در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد محدود می‌شود.

۷- عدم وجود دبیرخانه علمی و تخصصی: شورای عالی برنامه‌ریزی برای برقراری ارتباط با مراکز علمی بین‌المللی و دانشگاههای خارج از کشور و دستیابی به تحولات علمی روز در رشته‌های مختلف برای اعضای گروهها و کمیته‌های تخصصی خود نیازمند یک دبیرخانه توانمند علمی و تخصصی است.

سیاستها و اصول

برنامه‌ریزی از ویژگیهای یک جامعه پویا و روبه رشد است. تعیین اهداف، شناسایی نقطه شروع و داشته‌ها، تعریف ابزارها، شناسایی منابع و امکانات لازم، شناسایی موانع و پیش‌بینی روشهایی برای غلبه بر آنها از جمله مواردی هستند که در چهارچوب یک برنامه سنجیده و برخاسته از رایزنیهای دقیق علمی - کارشناسی و معطوف به توسعه، مورد تأمل و بررسی قرار می‌گیرند و این همه زمانی ممکن و مقدور خواهد بود که «اصول کلان و راهنما» به‌عنوان سیاست، بستری مساعد برای تدوین برنامه را پیشاپیش فراهم آورده باشند. [۹]

بنابراین، برنامه‌ریزی تا زمانی که نگاهی به سیاستها و اصول عام و جامع و واقع بینانه نداشته و به صورتی مقطعی و عاجل انجام گیرد، حرکتی کور بیش نخواهد بود که انباشته شدن آثار و نتایجی هرچند مفید

۲- مدت فعالیت گروهها و کمیته‌های تخصصی: دوره فعالیت ریسان گروهها و کمیته‌ها و نیز اعضای آنان مشخص نیست و این افراد برای مدت نامعینی انتخاب می‌شوند. همین امر مانع انعطاف‌پذیری و پویایی شورا شده است.

۳- روال تصویب برنامه‌ها: مدت زمان معمول پیش‌بینی شده برای بررسی و تصویب برنامه‌های آموزشی ۶ ماه است [۲] که در عمل این مدت به دو برابر و حتی بیشتر می‌رسد. [۳]

متأسفانه اطلاعات جامعی در خصوص میانگین مدت زمان بررسی و تصویب برنامه‌ها به تفکیک گروهها و کمیته‌ها در دست نیست، اما بررسی انجام شده توسط دبیرخانه شورای عالی برنامه‌ریزی بر روی یک نمونه یکدهم تصادفی از ۱۳۰ برنامه پیشنهادی، این میانگین را ۹/۹ ماه نشان می‌دهد. [۴]

۴- عدم نظارت بر کار گروهها و کمیته‌ها: هیچ‌گونه سازوکار مشخصی برای نظارت بر کار گروهها و کمیته‌های تخصصی پیش‌بینی و اعمال نشده است. به دلیل ستادی و شورایی بودن کار نیز معمولاً اعضای کمیته‌ها، خود راز نظر تأخیر در تصویب برنامه‌ها و یا معطل نگه داشتن آنها در برابر مقام خاصی پاسخگو و مسؤول نمی‌دانند. هیچ مرجع خاصی برای پایان دادن به اختلاف نظر گروهها و کمیته‌ها پیش‌بینی نشده است.

۵- عدم انعطاف و پویایی لازم: شورای عالی برنامه‌ریزی کمتر در جهت شکستن قالبهای سنتی و گشودن راههای نوگام برداشته است، که می‌توان به عدم پیش‌بینی طرح خاصی برای استعدادهای درخشان از سوی این شورا و اقدام مستقیم وزارت در این مورد اشاره کرد. اگر چه شورا با تصویب «آیین‌نامه ادامه تحصیل مستقیم دانشجویان رشته ریاضی از مقطع کارشناسی به دوره دکتری» در این جهت گامی برداشته است، اما این اقدام محدود و ناکافی است. [۵]

همچنین، در زمینه همگام کردن رشته‌های موجود با تحولات جدید علمی هیچ سازوکار خاصی در شورا حاکم نیست. [۶] افزون بر آن، در تأسیس رشته‌های جدید کمتر پیشقدم بوده و معمولاً محرک و متولی این‌گونه رشته‌ها، غالباً دستگاههای اجرایی یا دانشگاهها

اما غیرمرتبط با هم و معمولاً ناهمخوان با یکدیگر از پیامدها و محصولات آن است.

بر همین اساس، محورهای ذیل را می‌توان به‌عنوان اصول و سیاستهای برنامه‌ریزی آموزش عالی پیشنهاد کرد: [۱۱۰]

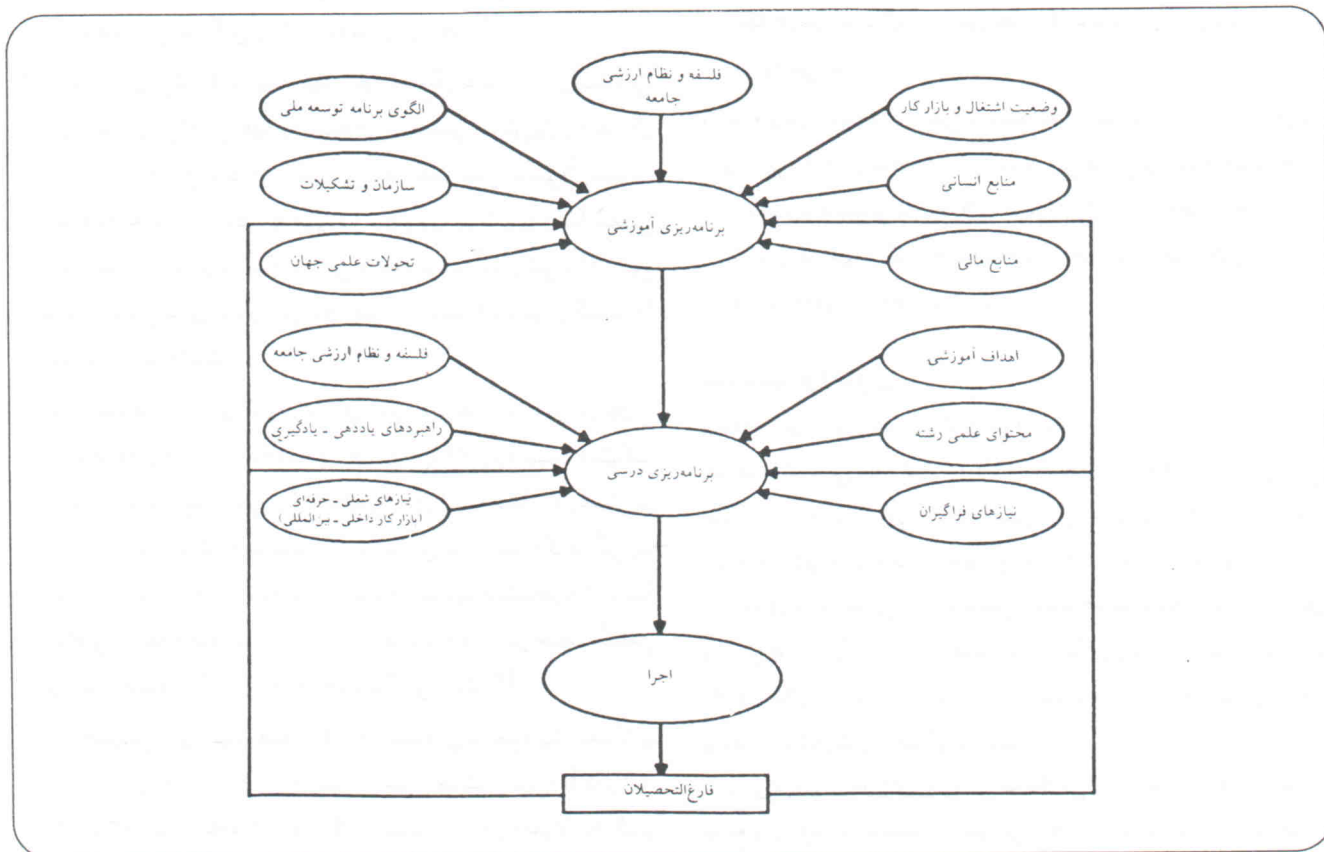
- ۱- حرکت به سمت اسلامی شدن دانشگاهها با تأکید و توجه به اصول مبانی صحیح علمی؛
- ۲- به‌رسمیت شناختن اصل استقلال دانشگاهها؛
- ۳- توجه به تحولات بین‌المللی در زمینه علوم و فن آوری؛
- ۴- ایجاد ارتباط بهینه بین آموزش عالی، پژوهش و فن آوری؛
- ۵- توجه به اصل التزام اجتماعی و تعهدات متقابل دانشگاه و جامعه؛
- ۶- توجه به حفظ و ارتقاء کیفیت در آموزش عالی؛
- ۷- توجه به اصل پویایی و انعطاف‌پذیری در برنامه‌های آموزش عالی؛
- ۸- توجه به انسجام و هماهنگی برنامه‌های آموزش عالی با الگوی کلان توسعه کشور؛
- ۹- حفظ یکپارچگی نظام آموزش عالی کشور تحت مسؤولیت واحد وزارت فرهنگ و آموزش عالی.

فرایند برنامه‌ریزی آموزشی و درسی

با توجه به مبانی نظری برنامه‌ریزی آموزشی و درسی [۱۲]، می‌توان فرایند اجرایی برنامه‌ریزی آموزشی و درسی را به صورت نمودار شماره ۱ نشان داد. با توجه به نمودار مذکور، عوامل مؤثر بر برنامه‌ریزی آموزشی عبارتند از:

- فلسفه و نظام ارزشی جامعه
- برنامه‌ریزی آموزشی قبل از هر چیز از فلسفه مسلط اجتماعی و نظام ارزشی جامعه متأثر است. فلسفه غالب اجتماعی به برنامه‌های آموزشی جهت، معنا و روح می‌بخشد و آنها را در راستای ارزشهای مورد قبول جامعه شکل می‌دهد.
- برنامه کلان توسعه ملی
- الگوی کلان توسعه ملی با ترسیم چشم‌انداز آینده به برنامه‌های آموزش عالی در راستای اهداف توسعه ملی جهت می‌دهد. [۱۳]
- وضعیت اشتغال و بازار کار
- وضعیت اشتغال نیروی انسانی فعال کشور و نیازهای بازار کار که ناظر به شرایط کنونی است همگام با برنامه کلان توسعه که ناظر به

نمودار ۱- فرایند برنامه‌ریزی آموزشی و درسی.



آینده است، عامل دیگری است که میزان نیاز کشور به نیروی متخصص را تعیین می‌کند و در نهایت، به برنامه‌های آموزشی جهت می‌دهد.

— تحولات علمی جهان

برنامه‌های آموزشی باید همگام و همپای تحولات و دستاوردهای جدید دانش بشری تدوین و تنظیم شوند تا بتوانند عرضه‌کننده دانش و تخصص مورد قبول به نسل جوان کشور و عامل رشد و توسعه ملی باشند.

— سازمان و تشکیلات

موفقیت برنامه‌های آموزشی تا حدود زیادی مرهون سازمان و تشکیلات اجرایی متجانس و متناسب است. برنامه‌های آموزشی در صورتی که از تشکیلات اجرایی مناسبی برخوردار نباشند در راه نیل به اهداف خود ناکام می‌مانند.

— منابع انسانی

برنامه‌ریزان، مجریان و استادان و دیگر کارکنان آموزشی و غیر آموزشی از سرمایه‌های انسانی مهمی هستند که در برنامه‌های آموزشی تأثیر می‌گذارند.

— منابع مالی

بودجه و امکانات مالی از جمله عوامل اساسی مورد نیاز برای اجرای برنامه‌ها و موفقیت آنها به‌شمار می‌روند. بر همین اساس، در برنامه‌ریزی آموزشی باید به همه این عوامل توجه لازم معطوف شود تا تأثیر هر یک در این فرایند به‌خوبی ملحوظ گردد. سیاستها و خط‌مشی‌های حاصل از فرایند برنامه‌ریزی آموزشی، بستر خوبی برای برنامه‌ریزی درسی فراهم می‌کند. این سیاستها به نوبه خود متأثر از عوامل زیر است:

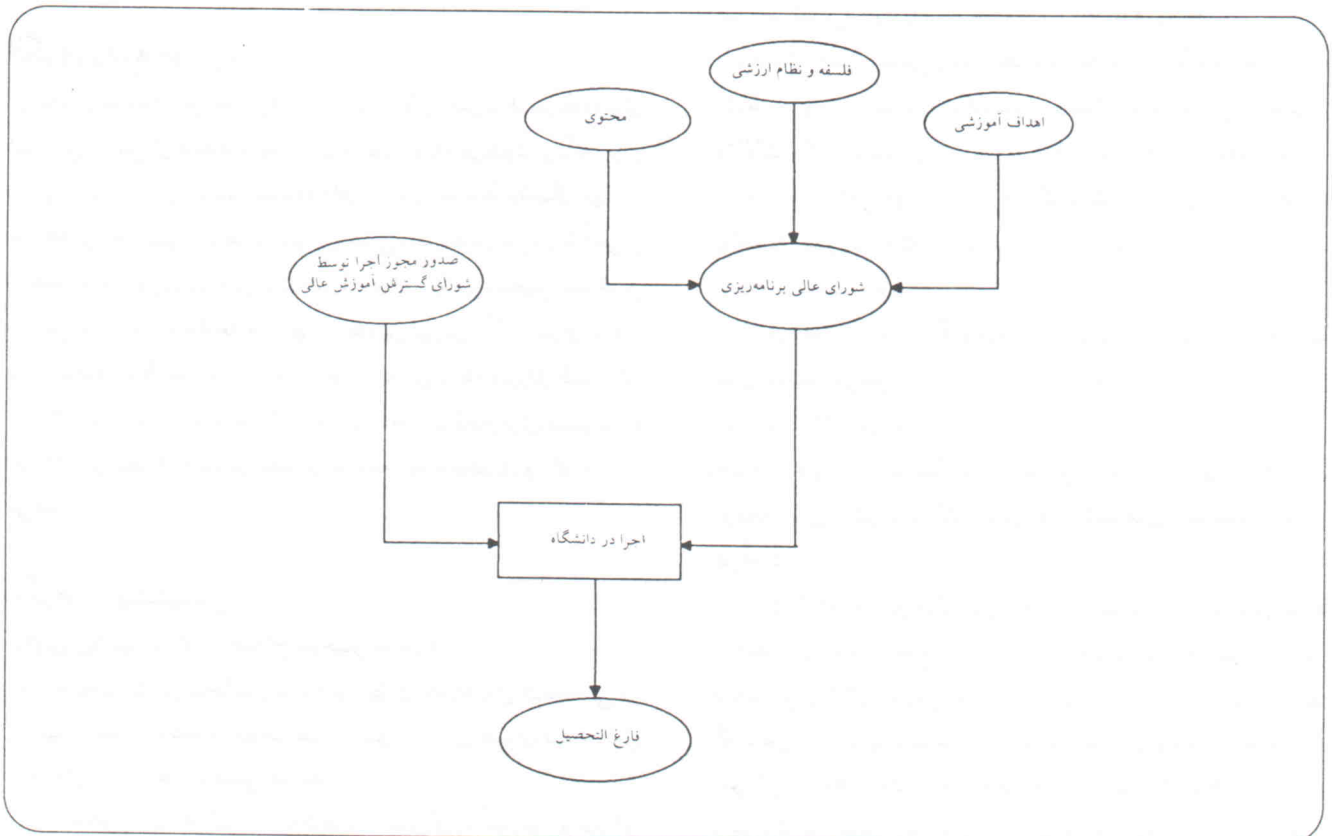
— فلسفه و نظام ارزشی جامعه

— اهداف آموزشی

الف) اهداف عمومی آموزش: چون چتری گسترده بر تمام مواد درسی و سمت و سوی آنها سایه افکن است. از جمله این اهداف می‌توان به تعمیق باورهای دینی، پرورش قوه ابتکار و نوآوری، خودباوری و ... اشاره کرد.

ب) اهداف اختصاصی آموزش: این اهداف ناظر بر هدفهای ویژه هر یک از مواد درسی، چون ریاضیات، ادبیات فارسی، زیست‌شناسی و ... است.

نمودار ۲- الگوی وضع موجود نهاد برنامه‌ریزی آموزش عالی



— محتوی: اساساً برنامه‌های درسی بر پایه دانش بشری در آن رشته بنا می‌شود و شکل می‌گیرد. بنابراین، کلیه دانش اندوخته بشر در هر رشته به عنوان محتوای آن رشته در برنامه‌ریزی درسی در هر مقطع تحصیلی تأثیرگذار است.

— تحولات علمی: برنامه‌های درسی باید پیوسته خود را به روز و بهنگام نگاه دارند.

— نیازهای فراگیران: محتوای آموزشی باید با نیازهای فکری، عاطفی و اجتماعی و توانمندیهای مورد انتظار (فراگیران) همخوانی داشته باشد.

— نیازهای شغلی- حرفه‌ای: نیازهای شغلی- حرفه‌ای معمولاً برنامه‌های درسی را به سمت خاصی سوق می‌دهند. برای مثال، شیوع کاربرد رایانه در همه رشته‌ها و مشاغل باعث شده است تا کارفرمایان، فارغ‌التحصیلانی را که ضمن برخورداری از دانش مورد نظر، در استفاده از رایانه در رشته خود نیز توانا هستند، بر دیگران ترجیح دهند. این گرایشها باید به نوآوری در نوع آموزش برنامه‌های درسی در جهت همخوانی با الگوهای استخدام منجر گردد. در این زمینه باید ویژگیهای بازار کار داخلی و بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد.

الگوی وضع موجود

در الگوی موجود برنامه‌ریزی آموزش عالی، فرایند برنامه‌ریزی آموزشی به کلی از صحنه غایب است و آنچه انجام می‌شود، برنامه‌ریزی درسی است. در این الگو، برنامه‌های درسی توسط دانشگاهها به کمیته‌های تخصصی ذیربط در شورای عالی پیشنهاد می‌شود و تا آخرین مرحله تصمیم‌گیری در جزئیات برنامه‌های درسی، تعیین سرفصل دروس، منابع مورد مطالعه و ... تهیه و تدوین می‌شود. [۱۴] اجرای برنامه در دانشگاه منوط به کسب مجوز از نهاد دیگری به نام شورای گسترش آموزش عالی است که به موازات شورای عالی برنامه‌ریزی نسبت به احراز شرایط لازم برای اجرای برنامه تصمیم‌گیری و رای صادر می‌کند.

الگوهای پیشنهادی

الگوی پیشنهادی اول: اصلاح ساختار موجود

۱- ضابطه‌مند کردن انتخاب ریسان و اعضای کمیته‌های تخصصی در جهت مشارکت همه دانشگاهیان و بویژه نسل جوان که حامل دستاوردهای جدید علمی هستند.

تاکنون ریسان کمیته‌ها به انتخاب رییس گروه آموزشی و اعضای

کمیته‌ها به انتخاب رییس کمیته تعیین می‌شده‌اند. این امر باعث شده است که بعضاً برخی از کمیته‌ها در انحصار دانشگاههای مرکز و یا اعضای هیأت علمی یک دانشگاه قرار گیرد و عمدتاً تعیین اعضا براساس روابط صورت گرفته است. به‌علاوه، دوره فعالیت ریسان و اعضای کمیته‌ها نامشخص و نامحدود بوده است و این خود مانع پویایی مطلوب آنها شده است. برای اصلاح این وضعیت باید اولاً نحوه انتخاب ریسان و اعضای کمیته‌ها را ضابطه‌مند کرد و ثانیاً دوره زمانی خاصی — برای مثال یک یا دو سال — برای فعالیت آنها مشخص کرد.

برای انتخاب ریسان و اعضای کمیته‌ها راههای مختلفی می‌توان پیش‌بینی کرد که از جمله آنها به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

— از دانشکده‌های مربوط در دانشگاههای سراسر کشور یک نماینده توسط اعضای هیأت علمی مربوطه جهت عضویت در کمیته تخصصی مربوط انتخاب و به شورای عالی معرفی شود. در صورتی که تعداد افراد معرفی شده بیش از حد نیاز بود با معیارهایی همچون مرتبه دانشگاهی و یا جواتر بودن افراد معرفی شده به لحاظ به‌روز بودن دانش آنها می‌توان مرجحاتی قائل شد و تعداد مطلوب را معین کرد. اعضای کمیته یک نفر را از بین خود به ریاست کمیته تعیین می‌کنند.

— از اعضای هیأت علمی دانشگاههای سراسر کشور خواسته شود تا در صورت تمایل، خود را برای عضویت در کمیته‌های تخصصی مربوط نامزد کنند. آنگاه اسامی و مشخصات مختصر داوطلبان عضویت (شامل سابقه تدریس، دانشگاه محل خدمت، کشور محل تحصیل، مقالات و کتب منتشره و) به اطلاع دانشکده‌های مربوط برسد، تا به تعداد مورد نظر رای دهند. افرادی که بیشترین رای را کسب کرده باشند به عضویت کمیته در می‌آیند و از بین خود یک نفر را به ریاست کمیته انتخاب می‌کنند.

دوره فعالیت ریسان گروهها و نیز ریسان و اعضای کمیته‌ها یک سال پیشنهاد می‌شود. ریسان گروهها به انتخاب ریسان کمیته‌ها و از بین آنها انتخاب می‌شوند.

۲- اقدام در جهت مربوط ساختن برنامه‌ریزی آموزش عالی با الگوی توسعه کشور و نیز تحولات علمی در رشته‌های مختلف علوم و فن‌آوری.

برای آنکه شورای عالی برنامه‌ریزی خود را از دایره محدود برنامه‌ریزی درسی فارغ سازد و بتواند الگوی توسعه کشور را در برنامه‌ریزی کلان آموزش عالی، سیاستهای گزینش دانشجو و روند گسترش دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و بهبود و ارتقا کیفیت آموزش و پژوهش مد نظر قرار دهد، ضروری است کمیته‌های جدیدی با شرکت کارشناسان سازمان برنامه و بودجه، سازمان امور اداری و

استخدامی کشور، مرکز آمار ایران و وزارتخانه‌های نفت، نیرو، صنایع، صنایع سنگین، کشاورزی، پست و تلگراف و تلفن و راه و ترابری، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی برای ملحوظ داشتن وضعیت بازارکار و اشتغال و نیز برنامه‌های کلان توسعه کشور در برنامه‌ریزی آموزش عالی تشکیل دهد.

به علاوه، باید کمیته‌هایی در جهت برقراری ارتباط با دانشگاهها و مراکز علمی خارج از کشور به منظور به روز نگاه داشتن برنامه‌های آموزش عالی در رشته‌های مختلف علمی تشکیل شود. این خط‌مشی، خود دارای مزایا و معایبی است که به مواردی از آن اشاره می‌شود.

مزایا

- ۱- عدم نیاز به تغییرات عمده در ساختار سازمانی و تشکیلاتی موجود شورای عالی برنامه‌ریزی؛
- ۲- مقاومت کمتر عوامل سازمانی در برابر تغییرات اصلاحی؛
- ۳- آشنایی مجموعه دانشگاهی کشور با روند موجود برنامه‌ریزی؛
- ۴- امکان بیشتر اعمال مصوبات شورا بر مجموعه‌های خارج از نفوذ وزارت فرهنگ و آموزش عالی بویژه بخش غیر دولتی.

معایب

- ۱- آفت شورا زدگی که مانع اتکاء فرایند تصمیم‌گیری بر کار کارشناسی است.
- ۲- عدم امکان اعمال نظارت سازمانی بر کار شورا و کمیته‌های آن؛
- ۳- کندی روند بررسی و تصویب برنامه‌ها؛

الگوی پیشنهادی دوم: واگذاری اختیارات تصمیم‌گیری بیشتر در مورد برنامه‌های درسی و آموزشی به دانشگاهها

اگر شرایطی را که به ایجاد شورای عالی برنامه‌ریزی انجامید در نظر بگیریم روشن می‌شود که فلسفه تمرکز اختیارات برنامه‌ریزی آموزش عالی عمدتاً به دلیل ضرورت حفظ یکپارچگی نظام آموزش عالی کشور و نظم و نسق دادن به شرایط بحرانی دانشگاهها در سالهای نخستین شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. اکنون از آن زمان نزدیک به دو دهه می‌گذرد و در این مدت شورای عالی انقلاب فرهنگی توانسته است به این اهداف تا حدود زیادی نزدیک شود. در شرایط حاضر، به نظر می‌رسد دیگر ضرورت تمرکز اختیارات بدان شدت و حدت در بین نباشد و با وجود هیأت علمی منبعث از نسل انقلاب و

تجارب به دست آمده در این مدت، بتوان اختیارات قابل توجهی را در زمینه برنامه‌های درسی دانشگاهها به آنها واگذار کرد. بررسی انجام شده در مورد میزان استفاده دانشگاهها از اختیارات واگذار شده در امر برنامه‌ریزی به دانشگاهها نشان می‌دهد^[۱۵] که بسیاری از دانشگاههای بزرگ اختیارات بیشتری را طلب می‌کنند؛ در عین حالی که دانشگاهها و مؤسسات نوپا و تازه تأسیس توان برنامه‌ریزی را ندارند. در مجموع، هر دو گروه بر ضرورت وجود شورای عالی برنامه‌ریزی تأکید نموده‌اند. به نظر می‌رسد با توجه به شرایط با ثبات کنونی و وجود دانشگاهیان متعهد و باتجربه در کشور بتوان پرداختن به برنامه‌ریزی درسی و حذف، تغییر و یا اصلاح برنامه دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاههای بزرگ را با تعیین ضوابطی به خود آنها واگذار کرد و شورای عالی برنامه‌ریزی را از پرداختن به جزئیات برنامه‌های درسی فراغت بخشید. این امر می‌تواند به دانشگاهها به طور کلی و یا به برخی از رشته‌ها و یا دانشکده‌های آنها که واجد شرایط باشند جداگانه واگذار شود. از جمله این شرایط می‌تواند، برگزاری دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری، و دارا بودن هیأت ممیزه باشد.

در شرایطی که برنامه‌ریزی دوره‌های دکتری به دانشگاهها واگذار شده و آنها رأساً خود به آن اقدام می‌کنند بهتر است برنامه‌ریزی و یا اصلاح برنامه‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد را نیز به دانشگاهها واگذاریم.

مزایا

- ۱- مجال یافتن نیروهای بالقوه دانشگاهها در جهت مشارکت فعالانه در تدوین برنامه‌های درسی؛
- ۲- کاهش دیوانسالاری موجود در امر تدوین و تصویب برنامه‌های درسی؛
- ۳- نهادینه شدن امر برنامه‌ریزی در دانشگاهها؛
- ۴- امکان پاسخگویی سهل‌تر و سریع‌تر دانشگاهها به نیازهای بومی و منطقه‌ای؛
- ۵- رقابت دانشگاهها در ارائه برنامه‌های مطلوبتر؛
- ۶- سهولت همگام کردن رشته‌های عملی با تحولات دانش بشری.

معایب

- ۱- امکان ارائه برنامه‌های پایین‌تر از سطح قابل قبول در دانشگاهها؛
- ۲- نبود سازوکار قوی در سطح ستاد جهت هدایت و نظارت بر برنامه‌های دانشگاهها؛
- ۳- فقدان ساختار تشکیلاتی مناسب برای ایفای مسؤولیت برنامه‌ریزی در دانشگاهها؛

فرصتها و محدودیتهای تحول در ساختار برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی امری ایستا نیست، بلکه امری است پویا، مسبوق به سوابق و زمینه‌ها و ناظر به جوانب متعدد. به رسمیت شناختن چنین اوصافی برای برنامه‌ریزی، توجه اکید به امکانات و فرصتها از یک طرف و تنگناها و محدودیتهای از طرف دیگر را در کانون حساسیتهای اولویتهای قرار می‌دهد.

الف) امکانات و فرصتها

۱- استفاده تحلیلی و تقادانه از نتایج اجرای برنامه‌ریزیهای پیشین در طراحی ساختاری نوین برای برنامه‌ریزی آموزشی، همچون یک «امکان مفید» در اختیار است.

۲- نیروی انسانی فکور و مجرب که در فرایند تصمیم‌گیریها و اشتغالات پیشین به این موضوع، قابلیت‌های زیادی کسب کرده‌اند از جمله امکانات هستند. در این میان آنچه حائز کمال اهمیت است استفاده از مجریان حوزه اجرایی و هیأت علمی دانشگاهها در خصوص تصمیم‌گیریهاست؛ چراکه این افراد در معرض انواع و اقسام ایرادها و نقاط قوت و ضعف، گروههای برنامه‌های مصوب در ستاد وزارتخانه بوده و به‌طور طبیعی بیش و پیش از هر کسی صلاحیت اظهار نظر و ارائه پیشنهاد را دارند.

۳- پایان یافتن دوره برنامه دوم پنجساله و وارد شدن به مرحله تدوین برنامه سوم توسعه فرصت خوبی است برای ارزیابی گذشته، وضعیت فعلی و ترسیم وضعیت مطلوب.

از این فرصت باید نهایت استفاده را کرد تا امکان تأثیرگذاری در مقام و مرحله برنامه‌ریزی به سایر بخشهای کشور فراهم آید. در واقع، چنین فرصتی این امکان را برای آموزش عالی ایجاد کرده است.

۴- جدی بودن بحث توسعه پایدار و متوازن و متعادل در فضای عمومی کشور «امکانی برای حرکت» و «فرصتی برای تصمیم‌گیری» فراهم آورده است تا با اتکا به آنها، با دیدی جدید و مسبوق به تجارب و مرتبط با فضای عمومی کشور برنامه‌ریزی کنیم. این فضای بالقوه این مجال را برای آموزش عالی فراهم آورده است که نتایج تصمیم‌گیریهای خود را با استفاده از فضای موجود در کشور تعدیل کرده حمایت‌های لازم را از آن وام گیرد.

۵- اشتغال به کار تعداد زیادی از اعضای هیأت علمی جدید دانشگاهها که در سالهای اخیر با کوله‌باری از دانش و ایده‌های نو از دانشگاههای مختلف در سراسر جهان فارغ‌التحصیل شده و به جمع هیأت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی پیوسته‌اند؛ از جمله فرصتهای در

دسترس است.

ب) محدودیتهای و تنگناها

۱- کمبود منابع مالی: در شرایطی که امکانات اقتصادی با بحران جدی مواجه است، هرگونه بی‌برنامه‌گی یا بی‌تدبیری در آینده‌ای نه‌چندان دور، کشور را در وضعیتی سخت و بحرانی قرار خواهد داد. برای کشورهایی مثل ایران امکان و فرصت آزمایش و خطا دیگر وجود ندارد. شاید برای یک بار فرصت عمل داشته باشیم و در صورتی که محدودیتهای مالی و زمانی راهم به آن اضافه کنیم مشخص خواهد شد که چه مقدار محدودیت بر ما حاکم است و بالطبع چه مقدار مسؤلیت ما سنگین‌تر است. برای داشتن آینده‌ای بهتر، «زمان حال» با همه امکاناتش، تنها امکان ماست. اگر «زمان حال» را از دست دهیم، آینده را نیز باختیم. از دست دادن «زمان حال» در عمل مساوی و معادل از دست دادن امکانات مستتر و مندرج در آن است. در کشوری کم آب، دارای محدودیت از نظر منابع و مواجه با انواع محدودیتهای اقتصادی، باید در تعریف خود از امور و بازشناسی مقدرات خود به اقدامی مجدد و از روی تدبیر و علم دست زد.

۲- نداشتن برنامه‌ای کلان با قابلیت‌های تصحیح و تعدیل و انعطاف‌پذیریهای لازم برای مواقع و مراحل پیش‌بینی نشده به نوعی که در مورد آن اجماع عام وجود داشته و برخاسته از بحث و توافقیهای کارشناسانه ارباب اندیشه و صاحبان مناصب دولتی و تصمیم‌گیر باشد، تا بر اثر تغییر مدیریتها حرمت و اعتبار آن برنامه‌ها محفوظ باشد.

۳- تعدد مراکز تصمیم‌گیری در مورد آموزش عالی، وزارت متبوع، مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و دستگاههای اجرایی و ... با دلایل و انگیزه‌های گوناگون و در مواقع و مراحل مختلف و معمولاً متداخل با هم در مورد آموزش عالی دارای نقش و صاحب نفوذ و واجد حق مداخله هستند.

۴- جدی گرفته نشدن امر برنامه‌ریزی از طرف دانشگاهها، صرف‌نظر از موارد نادر و مقطعی، حساسیت دانشگاهها به استقلال در برنامه‌ریزی امری محتمل است. مسائل مالی و درخواستهایی که معمولاً از جنس سخت‌افزارهای مدیریت محسوب می‌شوند در ردیف اول تقاضاها و گفتگوهای دانشگاهها با همدیگر و با وزارت متبوع بوده است. هم‌اکنون باید دانشگاهها به‌طور اصولی به این امر توجه داشته باشند که استقلال در برنامه‌ریزی یکی از محورهای اصلی استقلال دانشگاه محسوب می‌شود.

۵- عدم آمادگی دانشگاهها برای قبول مسؤولیت برنامه‌ریزی آموزشی از نظر امکانات علمی، نیروی انسانی و ساختار تشکیلاتی. در صورت واگذاری برنامه‌ریزی آموزشی به دانشگاهها باید تکلیف آن از نظر ساختار سازمانی، ترکیب و اختیارات و اعتبارات مورد نیاز مشخص گردد.

جمع‌بندی

در مجموع می‌توان گفت که ضرورت تحول و بازنگری در ساختار برنامه‌ریزی آموزش عالی امری پذیرفته شده و مورد قبول اکثر صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران مسائل دانشگاهی است. حامیان این نگرش بر این باورند که ساختار کنونی گرچه در زمان تشکیل ضروری و مناسب بوده است اما فصل مأموریت‌های آن به سر آمده و ادامه کار شورا نیازمند بازنگری و بازاندیشی است.

مهمتر آنکه بازنگری در فرایند و ساختار و برنامه‌ریزی آموزش عالی جزئی از بازنگری در کل ساختار آموزش عالی کشور است و اقدام به این مهم باید در بستر و چهارچوب کلی تر نظام آموزش عالی مدنظر قرار گیرد.

مسأله دیگری که مورد تأیید صاحب‌نظران و مجریان نظام آموزش عالی است، آن است که بازنگری ساختار برنامه‌ریزی آموزش عالی باید به گونه‌ای انجام گیرد که ویژگی‌های مثبت وضع موجود حفظ شود.

همچنین، باید بر این نکته تأکید داشت که واگذاری اختیارات به دانشگاهها باید با افزایش نقش نظارتی وزارت فرهنگ و آموزش عالی همراه باشد؛ به گونه‌ای که نقش هدایت، ارزیابی و اعتبارگذاری وزارت به‌خوبی ایفا شود. در نهایت، باید فرایند برنامه‌ریزی به گونه‌ای سامان یابد که مشارکت دانشگاهها را در تصمیم‌گیریهای آموزش عالی تقویت و تثبیت کند.

با این وصف، به نظر می‌رسد از بین دو الگوی اجرایی ارائه شده الگوی پیشنهادی دوم برای اجرا مناسبتر باشد؛ زیرا هم نقش سیاستگذاریهی کلان را برای وزارت فرهنگ و آموزش عالی محفوظ می‌دارد و هم به دانشگاهها میدان می‌دهد تا در عرصه برنامه‌ریزی، هنر خویش را بنمایند.

برای اجرای الگوی پیشنهادی دوم، توصیه‌های زیر قابل توجه هستند:

۱- اختیار و مسؤولیت برنامه‌ریزی درسی تنها به دانشگاههایی واگذار شود که در حد مطلوبی از توانمندی علمی و اجرایی باشند. این حد مطلوبیت توسط وزارت فرهنگ و آموزش عالی تعیین می‌شود و می‌تواند شامل معیارهایی همچون برخورداری از هیأت ممیزه،

برگزاری دوره‌های دکتری و باشد.

۲- برای نهادینه کردن برنامه‌ریزی و هدایت آن در دانشگاه ضروری است گروههای آموزشی دانشگاهها برای تصدی مسؤولیت برنامه‌ریزی فعال شوند.

۳- دانشگاههای نوپا و تازه تأسیس بتوانند برنامه‌های کنونی مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی یا برنامه‌های مصوب سایر دانشگاهها را برای اجرا انتخاب کنند.

منابع

- ۱- قادری، اعظم. بررسی نگرش مدیران گروههای آموزشی دانشگاههای دولتی شهر تهران نسبت به برنامه‌ریزی توسعه دانشگاهی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، (۱۳۷۴)، صص ۲۰۵-۱۸۳.
- ۲- «وضعیت موجود شورای عالی برنامه‌ریزی». دبیرخانه شورای عالی برنامه‌ریزی.
- ۳- مدت بررسی و تصویب برنامه‌های پیشنهادی در گروهها و کمیته‌های تخصصی شورای عالی برنامه‌ریزی، دبیرخانه شورای عالی برنامه‌ریزی.
- ۴- ضوابط و مراحل بررسی و تصویب برنامه‌های آموزشی در شورای عالی برنامه‌ریزی، مصوب نودوچهارمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی.
- ۵- «آیین‌نامه ادامه تحصیل مستقیم دانشجویان رشته ریاضی از مقطع کارشناسی به دوره دکتری». مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی.
- ۶- خلاصه صورتجلسات ۳۴۶ و ۳۴۵ شورای عالی برنامه‌ریزی ۷۶/۶/۳۰ و ۷۶/۷/۱۳.
- ۷- بررسی برنامه‌های جدید در مقایسه با برنامه‌های قدیم از حیث محتوا و انطباق و رفع نیاز دستگاههای اجرایی - دبیرخانه شورای عالی برنامه‌ریزی.
- ۸- مصوبه یکصد و نود و ششمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی مورخ ۶۹/۲/۳۰ در مورد واگذاری پاره‌ای از اختیارات شورای عالی برنامه‌ریزی به دانشگاهها.
- ۹- ساکتی، پرویز. مبانی، اصول و فنون و کاربرد روشهای برنامه‌ریزی آموزش عالی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، معاونت هماهنگی، (۱۳۷۰).
- ۱۰- غفرانی، محمدباقر. طرح بازنگری نظام آموزش عالی کشور، معاونت آموزشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، (۱۳۷۳).
- ۱۱- غفرانی، محمدباقر. رهیافتی برای سامان دهی نظام آموزش عالی و تحقیقات در کشور، معاونت آموزشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، (۱۳۷۶).
- ۱۲- فیوضات، یحیی. مبانی برنامه‌ریزی آموزشی، تهران، مؤسسه نشر ویرایش، (۱۳۷۶).
- ۱۳- تودارو، مایکل. دانشگاه و رشد ملی، ترجمه اقدس نظری منتظر، نامه پژوهشکده، سال دوم، شماره ۳، (۱۳۵۷).
- ۱۴- «گزارش ملی آموزش عالی ایران». دفتر امور آموزشی و تحصیلات تکمیلی، معاونت آموزشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی (۷۵-۱۳۷۴).
- ۱۵- اجتهادی، مصطفی. بررسی توان دانشگاهها در استفاده از مصوبه شورای عالی برنامه‌ریزی در خصوص واگذاری پاره‌ای از اختیارات شورا به دانشگاهها. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، (۱۳۷۴)، صص ۱۴۳-۱۵۵.